

مار که از تمام حیواناتی که خداوند ساخته بود حيله‌گرتر بود، از زن پرسید: «آیا واقعاً خدا به شما گفته است که از هیچ‌یک از میوه‌های درخت‌های باغ نخورید؟» 2 زن جواب داد: «ما اجازه داریم از میوه تمام درخت‌های باغ بخوریم 3 به غیر از میوه درختی که در وسط باغ است. خدا به ما گفته است که از میوه آن درخت نخورید و حتی آن را لمس نکنید مبادا بمیرید.» 4 مار جواب داد: «این درست نیست. شما خواهید مرد 5. خدا این را گفت زیرا می‌داند



وقتی از آن بخورید شما هم مثل او خواهید شد و خواهید دانست چه چیز خوب و چه چیز بد است.» 6 زن نگاه کرد و دید آن درخت بسیار زیبا و میوه آن برای خوردن خوب است. همچنین فکر کرد چقدر خوب است که دانا بشود. بنابراین از میوه آن درخت کند و خورد. همچنین به شوهر خود نیز داد و او هم خورد 7. همین‌که آن را خوردند به آنها دانشی داده شد و فهمیدند که برهنه هستند. پس برگهای درخت انجیر را به هم دوخته خود را با آن پوشانیدند. 8 عصر آن روز شنیدند خداوند در باغ راه می‌رود. پس خود را پشت درختان پنهان کردند 9. اما خداوند آدم را صدا کرد و فرمود: «کجا هستی؟» 10 «آدم جواب داد: «چون صدای تو را در باغ شنیدم ترسیدم و پنهان شدم زیرا برهنه هستم.» 11 خدا پرسید: «چه کسی به تو گفت برهنه هستی؟ آیا از میوه درختی که به تو گفتم نباید از آن بخوری خوردی؟» 12 آدم گفت: «این زنی که تو اینجا نزد من گذاشتی آن میوه را به من داد و من خوردم.» 13 خداوند از زن پرسید: «چرا این کار را کردی؟» زن جواب داد: «مار مرا فریب داد که از آن خوردم.» 14 سپس خداوند به مار فرمود: «چون این کار را کردی از همه حیوانات ملعون‌تر هستی. بر روی شکمت راه خواهی رفت و در تمام مدت عمرت خاک خواهی خورد 15. در بین تو و زن کینه می‌گذارم. نسل او و نسل تو همیشه دشمن هم خواهند بود. او سر تو را خواهد کوبید و تو پاشنه او را خواهی گزید.»

16 و به زن فرمود: «درد و زحمت تو را در ایام حاملگی و در وقت زاییدن بسیار زیاد می‌کنم. اشتیاق تو به شوهرت خواهد بود و او بر تو تسلط خواهد داشت.» 17 و به آدم فرمود: «تو به حرف زنت گوش دادی و میوه‌ای را که به تو گفته بودم نخوری، خوردی. به خاطر این کار، زمین لعنت شد و تو باید در تمام مدت زندگی با سختی کار کنی تا از زمین خوراک به دست بیاوری 18. زمین خار و علفهای هرزه خواهد رویانید و تو گیاهان صحرا را خواهی خورد 19. یا زحمت و عرق پیشانی از زمین خوراک به دست خواهی آورد تاروی که به خاک بازگردد، خاکی که از آن به وجود آمدی. تو از خاک هستی و دوباره خاک خواهی شد.» 20 آدم اسم زن خود را حوا گذاشت چون او مادر تمام انسانهاست. 21 خداوند از پوست حیوانات برای آدم و زنت لباس تهیه کرد و به آنها پوشانید. 22 پس خداوند فرمود: «حال آدم مثل ما شده و می‌داند چه چیز خوب و چه چیز بد است. مبادا از درخت حیات نیز بخورد و برای همیشه زنده بماند.» 23 بنابراین خداوند او را از باغ عدن بیرون کرد تا در روی زمین که از آن به وجود آمده بود به کار زراعت مشغول شود 24. خداوند، آدم را از باغ عدن بیرون کرد و فرشتگان نگهبانی در طرف شرق باغ عدن گذاشت و شمشیر آتشی که به هر طرف می‌چرخید در آنجا قرار داد تا کسی نتواند به درخت حیات نزدیک شود.

هنگام خواندن اکثر کتاب‌ها، آدم می‌تواند در چند سطر اول بفهمد، که این کتاب شامل چه موضوعی است. کتاب مقدس هم به همین صورت است. بعد از بخش سوم از کتاب مقدس، کاملاً مشخص است، که موضوع کتاب مقدس چگونه خواهد بود. این موضوع نه تنها بسیار جالب است، بلکه برای همه ی افرادی، که تا به حال زندگی کرده اند و هنوز هم زندگی خواهند کرد بسیار معاصر و بسیار مرتبط است. شاید همه شما متعجب باشید، که الان این را می‌گویم. شاید شخصی بگوید، "چگونه خوردن میوه می‌تواند گناه باشد و چگونه این گناه می‌تواند با همه ی افراد مرتبط باشد؟" نه، این کار فقط در مورد میوه نیست. برای اولین بار در این آیات (نشانه‌ها) سه موضوع وجود دارد. و هر سه با همه ی افراد دنیا بسیار مرتبط و معاصر هستند. این سه چیز عبارتند از:

اولین سؤال در کتاب مقدس

اولین نفرین در کتاب مقدس

و اولین نعمت در کتاب مقدس.

اولین سؤال در کتاب مقدس از سوی خدا نبود، بلکه از سوی شیطان بود. نگاهی دقیق‌تر به کلمه ی "سؤال" بیندازید تا

بتوانید این مسئله را کمی بهتر درک کنید. در زبان عبری، سوال شبیه به Soal در زبان فارسی است. همچنین این کلمه احتمالاً از زبان عربی به فارسی رسیده باشد. از آنجا که در فارسی، سوال نیز Soal است... جالب است که کلمه عبری Shal می‌تواند با کلمه Scheol که یک کلمه برای جهنم است همراه باشد. و این دقیقاً سوال شیطان است. و مستقیماً از سوی جهنم می‌آید. سوال شیطان از سر کنجکاو می‌محض نبود، اما او این سوال را پرسید تا بتواند چیزی که کاملاً مشخص است را اشتباه جلوه دهد. یک کلمه‌ی دیگر برای شیطان "کسی که تفرقه ایجاد می‌کند" است و این دقیقاً همان چیزی است، که سوال او می‌خواهد انجام دهد. شیطان می‌خواهد همه‌ی سیر خلقت خدا را با یک سوال به اشتباه بیندازد. در زبان فارسی واژه دیگری برای چنین سوالاتی وجود دارد، که به معنای سوراخ کردن است. همه ما می‌دانیم منظور چنین سوالاتی چیست. به طور مثال ممکن است، که شخصی از دفتر فدرال سوالات پیچیده‌ای را از شما بپرسد و انقدر سخت باشد، که هرگز نتوانید بین واقعیت و اشتباه تفکیکی قائل شوید. این دقیقاً همین کاری است، که اولین سوال شیطان انجام داد. در آغاز شیطان، سوالی را مطرح می‌کند که در ابتدا سوالی دینی به نظر می‌رسد. او حتی از فرمان واقعی خدا استفاده می‌کند. آن چیزی، که در مرحله‌ی نخست مذهبی به نظر می‌رسد و در گام بعدی می‌بینیم، که شیطان سخنان خدا را پیچانده و تغییر داده است. خدا گفته بود: "شما نمی‌توانید از همه‌ی درختان باغ بخورید". شیطان دقیقاً از این جمله استفاده کرد و آن را به گونه دیگری تغییر داد، به طوری که این کلمات اکنون این گونه به کار می‌روند، که "خوردن از درختان باغ کاملاً ممنوع است.. به عبارت دیگر، شیطان دقیقاً از همان کلمات خدا استفاده می‌کند. اما سر پیچی از خوردن میوه را ممنوع کرد. از این رو معنای متفاوتی بین آنهاست. خداوند چیزی را ارائه داده است، که سخنی گیراست. و خوردن هر نوع میوه از درختان را برای آدم و حوا منع کرده بود. متأسفانه، می‌توان مشاهده کرد، که شیطان تا به امروز با این ترفند عمل می‌کند. بنابراین، احکام خوب خدا که باید ما را آزاد کند، در یک تنگه‌ی پیچیده افتاده است. بنابراین مردم آزاد نمی‌شوند، بلکه به بردگی گرفته می‌شوند و در همه جای دنیا می‌توان مشاهده کرد، که مردم در کجا غرق شده، به بردگی گرفته شده و حتی شکنجه می‌شوند و دیگران را می‌کشند تا فرمان خدا را بر آنها تحمیل کنند. آه، دروغ شیطان بی رحمانه است! شیطان فرمان خدا را انقدر دستکاری می‌کند تا در نظر انسان بی معنی جلوه کند. او آنها را سوراخ می‌کند تا فقط یک پوسته باقی بماند. و این پوسته اصلاً ربطی به خدا ندارد، و از جهنم به بیرون می‌آید. عیسی به ما نشان می‌دهد چگونه با چنین مواردی برخورد کنیم. وقتی شیطان عیسی را با این ترفند امتحان کرد، عیسی در همه حال کلام روشن و قابل توصیف خدا را در برابر دروغ شیطان قرار می‌داد. بنابراین شیطان نمی‌توانست چیزی از جانب او دریافت کند! چقدر مهم است، که همیشه کلام خدا را حفظ کنید، آن را روخوانی کنید! و حتی بخش‌هایی از آن را بخوانید! این تنها راهی است، که با آن می‌توانیم در برابر شیطان و دروغ‌های او زنده بمانیم! ما فقط خیلی خوب می‌دانیم، که چگونه داستان دروغ اول ادامه می‌یابد. حوا و آدم (که مطمئناً در کنار آن ایستاده بودند و همه چیز را به دست آوردند) آنها توسط شیطان فریب خوردند. آنها بلافاصله فهمیدند، که شیطان فریبشان داده، بنابراین مجبور شدند از خدا پنهان شوند. سوال دوم در کتاب مقدس از جانب خدا بود: "آدم کجایی؟" و وقتی آدم و حوا مجبور شدند برهنه در برابر خدا بایستند، فهمیدند، که این کارشان اشتباه است. اما آنها خود را به خاطر این عمل سرزنش کردند. حوا می‌گفت: این مار بود، که ما را فریب داد. آدم به خدا می‌گفت: این حوا بود، که آن را به من داد. صحبت‌های آدم و حوا ناامیدی وضعیت آنها را نشان می‌داد. آدم و حوا حتی آمادگی این را نداشتند، که اشتباهات خودشان را تشخیص دهند و کاملاً خود را گم کرده بودند. پس خداوند آن مار را نفرین کرد. خدا تنها دو بار در عهد عتیق کسی را نفرین کرد. در بار اول همین جا است، که خداوند مار را نفرین کرد. منظور نفرین برای مار نیست، بلکه برای شیطان است که در پشت مار قرار دارد. شیطان در برابر خدا و انسان حيله گری کرده بود. حالا او باید پایین بیاید. و دشمن باشد. بنابراین خداوند اینگونه روشن کرد، که شیطان دوستی نیست، که به آدم و حوا شادی بیشتری بدهد، بلکه دشمنی است، که منجر به مرگ می‌شود. با نگاه کردن به مار که در پایین می‌خزد، نه تنها آن مار را می‌بینیم، بلکه همه شرارت‌های بی‌رحمانه را که همیشه بوده و خواهد بود، خواهیم دید. هر آنچه در برابر خیر، در برابر حقیقت، در برابر رحمت و در برابر عشق قرار دارد، در این شیطان تجسم یافته است. همه‌ی جنگ‌ها و همه‌ی رنج‌های تلخ، همه و همه از شیطان سرچشمه می‌گیرد. همه‌ی دیکتاتور‌ها و اتاق‌های شکنجه را می‌توان در جایی یافت، که شیطان در آنجا خزنده باشد. شیطان دشمن واقعی پشت همه‌ی شرارت‌های انسان است! این شیطان است که در پشت کابوس شخصی شما نیز هست. جایی، که کاملاً اشتباه فکر می‌کنید، جایی، که احساس نفرت نسبت به دیگران دارید. و همچنین جایی، که عشق شما از بین می‌رود. همه چیز از شیطان سرچشمه می‌گیرد. این منبع و منشأ شر است. با دیدن شیطان در آنجا، کمی نور و درخشش امید می‌بینیم. زیرا خدا می‌گوید: کسی، که از نسل حوا خواهد آمد، مار را خواهد کشت. اما او در آنجا خواهد بود، نه مثل مار برای فریب دادن ما انسانها، بلکه ما را آزاد خواهد کرد. زیرا او سر مار را خرد می‌کند. او عیسی است. عیسی منبع و منشأ شر را از بین می‌برد! عیسی نفرین مار را به یک نعمت تبدیل می‌کند. در عهد جدید، عیسی یک بار دیگر نفرین می‌کند، که بسیار شبیه به نفرین خداوند بر روی مار است. دلایل این است که عیسی همین سخنان خدا را دقیقاً اندکی قبل از مصلوب شدنش تکرار کرد. اما به جای مار، او درخت انجیر را نفرین کرد. درخت انجیر در عهد عتیق نمادی از قانون بود. اما قانون واقعاً نمی‌تواند مردم را آزاد کند. همانطور که آدم و حوا نمی‌توانستند برهنگی خود را با برگ انجیر پنهان کنند، ما نیز نمی‌توانیم با قانون انسانها خودمان را تبرئه بکنیم، با این حال ما همیشه می‌خواهیم این کار را انجام دهیم. ما ترجیح می‌دهیم خودمان را تبرئه بکنیم به جای اینکه عدالت خدا را دریافت کنیم. حتی امروزه می‌بینید که مردم برای رد سرزنش، همه کاری می‌کنند! و اگر این کار میسر نبود، آنها از

توهین استفاده می کنند! یا اینکه وانمود می کنند که هیچ اتفاقی نیفتاده بود! اما ما انسانها نمی توانیم چنین کاری را داشته باشیم. درخت نفرین و مانند آن از بین نمی روند، بلکه در آنجا می مانند و ما را متهم می کنند! همه ی ما شخصاً می دانیم چقدر دشوار است، که اشتباهمان را اقرار کنیم . و همه ی ما می توانیم بگوییم که چگونه مقصر شدیم ، هنوز هم مقصر می شویم و هنوز هم در گناه می مانیم. "در آینده هیچ میوه ای در تو یافت نخواهد شد!" عیسی این را به درخت انجیر گفت. این دو داستان در آغاز و انتهای کتاب مقدس به ما نشان می دهد که ما انسان ها قادر به آزاد کردن خود نیستیم. خدا باید این کار را بکند. ما تاریخ نفرین کردن درخت انجیر توسط عیسی را در انجیل می شناسیم. به صلیب کشیدن عیسی دوباره در مورد یک درخت است. اما این بار درخت، صلیب است. و این بار خود عیسی بر این درخت نفرین شده بود. بیایید پایین را نگاه کنیم و ببینیم مار در آنجا خزنده است ... آن مار نفرین شده است. اما آدم و حوا نیز تحت نفوذ مار قرار گرفته بودند. نه تنها آدم و حوا، بلکه ما هم با مار نفرین شده ایم. و همه آفرینش با ما! اما اگر به پایین نگاه کنیم ، یکی دیگر را می بینیم. این عیسی است! او فاصله اش به مار بسیار نزدیک است. چنان نزدیک است، که سم خود را به او منتقل می کند. و سرانجام عیسی سرش را خرد می کند. همه ی اینها روی صلیب جلجتا اتفاق افتاد. بنابراین ما از نفرین، قانون و گناه، رها می شویم! و بر این اساس اولین نفرین خدا نیز اولین نعمت خداوند پس از گناه آدم و حوا است. همه روی زمین نفرین گناه و مرگ را می شناسند. به همین دلیل داستان عهد عتیق بسیار موضوعی(بسیار مورد بحث و حائز اهمیت) است. مرگ عیسی بر روی صلیب پاسخ نهایی خدا برای این نفرین است. با صلیب عیسی تمام سوالات به پایان می رسد. آمین.